

[illegible]

مسیر ما از یال و گذر از سه منطقه **جنگل آبا بیله- پشته- ویر گاه** می باشد. (نزدیک ترین ییلاق بز ن دار به نام **دشتی** خوانده می شود.) ساعت **8:00** از لچور به راه افتادیم. هر چه جلوتر می رویم شیب مسیر تندتر می شود. ساعت **8:19** است در جنگلی هستیم و **2** کیلو متر راه رفته و ارتفاع **550** متر است. کم کم گرمای هوا و رطوبت آن بیشتر می شد. ساعت **8:30** و در ارتفاع **660** متری هستیم و تا جنگل آبا بیله **1** کیلو متری باقیست. ساعت **10:00** به جنگل آبا بیله در ارتفاع **1289** متری رسیدیم. کلبه ای چوبی نیز در آن جا می باشد. سه نفر از هموردان در این منطقه می مانند و ساعت **10:20** شروع به حرکت می کنیم. پس از عبور از شیب تند مسیر در ساعت **10:55** به مسیر جاده ای خاکی می رسیم. در طول مسیر دو یا سه تایی به این صورت داریم. (یعنی شیب و سپس جاده). در ساعت **11:16** به مسیر جاده ای دوم می رسیم. (باید بگویم مسیری که تا این جا طی کردیم به علت کم رفت و آمد بودن پاکوب مشخصی ندارد و امکان گم شدن بدون یک راهنمای با تجربه بسیار زیاد است حتی خود محلی های ییلاقات بالا که با آنها صحبت کردیم با نیشان یا موتور به ییلاق های خود می روند و وقتی ما به آنها گفتیم از طالب دره پیمایش کردیم بسیار تعجب کردند و حتی گفتند خانم ها چطور این مسیر را آمدند.)

در ساعت **12:05** به روستای زیبا و بکر **پشته** و خانواده بسیار مهربان و محترم جمالی رسیدیم. پس از صحبت با پدر و مادر و دخترانشان و برداشتن آب از چشمه بسیار ضعیف در پایین دست روستا در ساعت **12:20** به راه افتادیم. ساعت **1:00** ظهر است که جنگل بعد روستای پشته را پشت سر گذاشتیم. هوا کمی ابری شد و ما در ساعت **1:05** به منطقه ییلاقی بسیار بکر و زیبا به نام **ویر گاه** رسیدیم. این جا نیز خانواده ای زحمتکش حضور داشتند که به دامداری مشغول بودند. ناگهان رگبار تند باران شروع شد و حدود **20** دقیقه ای در زیر سرپناهی از کلبه های آنها پناه گرفتیم. با تصمیم سرپرست قرار شد نیم ساعتی بالا رفته تا به منطقه شاخک که **1** ساعتی با قله فاصله داشت برسیم. حدود ساعت **1:25** باران ایستاد و رهسپار بالا شدیم. در ساعت **1:53** به منطقه شاخک در ارتفاع **2214** متری رسیدیم و در کنار تک کلبه زیبای آنجا و مناظر بکر و صخره ای اطراف عکسی گرفتیم. (اگر صبح یک ساعتی زودتر حرکت کرده بودیم حتما به قله می رسیدیم ولی خوب شاید هم این طوری بهتر شد چون در برگشت تگرگ و رعد و برقی ما را فرا گرفت که در ادامه توضیح خواهم داد.)

ساعت **2:05** با آن طبیعت بکر و پاک خداحافظی کرده و به سمت پایین حرکت کردیم. **2:20** به ویر گاه رسیدیم و پس از برداشتن آب به راه افتادیم. پس از وارد شدن در جنگل بسیار زیبای بین ویرگاه و پشته ناگهان تگرگی شدید به اندازه یک نخود با شدت بر سرمان فرو ریخت. رعد و برق هم از طرفی موجب وحشت من و مینا شده بود. سریع باد گیر ها را در آورده و پوشیدیم و تا جایی که می توانستیم با گام هایی بسیار تند حرکت کردیم تا از منطقه خطر دور شویم. در اواخر مسیر جنگل کم کم آفتاب پدیدار شد و خدا را شکر کردیم که به سلامت گذر کردیم. در ساعت **3:05** به پشته و خانواده جمالی رسیدیم. آنها بی هیچ منتهی یکی از کلبه های چوبی را در اختیارمان قرار دادند تا با خیال راحت ناهار را صرف کنیم. همچنین یک نوع پنیر محلی به نام **لور** برایمان آوردند و بعد ناهار، چای نیز برایمان مهیا کردند. خلاصه یک ساعتی که صرف ناهار کردیم بسیار خوش گذشت و از طرف خودم و گروه از آنها بسیار ممنونم. پس از خداحافظی با آنها در ساعت **4:05** به راه افتادیم. در ساعت **5:25** به کلبه آبا بیله و دوستانمان رسیدیم. پس از استراحتی کوتاه در ساعت **5:39** حرکت کردیم. ساعت **7:10** به لچور (مکان صبحانه) رسیدیم و پایی به آب رود زده و حرکت کردیم. در ساعت **7:45** هم به ماشین ها رسیدیم. باید بگویم برنامه ی بسیار عالی و پر فشاری بود و

بهتر از آن ، اینکه به لطف سرپرست و راهنمای برنامه آقای شهرام فرهنگی با یکی از بکر ترین مناطق گیلان آشنا شدیم. از طرف
خودم و سایر دوستانم بسیار بسیار از ایشان تشکر می کنم.

به امید اجرای چنین برنامه هایی

شاد و سلامت باشید

عالی

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.